

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بروز خشونت خانگی در بین زوجین ساکن در کلان‌شهر تبریز

علی مرادی^۱، مرتضی فرجیان^۲، اقباله عزیزخانی^۳

10.71547/urb.2024.1196126

چکیده

مقاله حاضر به تبیین جامعه‌شناختی بروز شیوه‌های خشونت خانگی در میان متاهلین ساکن کلان‌شهر تبریز پرداخته است. هدف این تحقیق شناسایی و تبیین شیوه‌های بروز و همچنین عوامل مؤثر بر بروز انواع خشونت خانگی است. در این مقاله با استفاده از روش پیمایش استفاده شد. حجم نمونه ۶۵۰ نفری با استفاده از نرم‌افزار Sample power به دست آمد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای نمونه‌ها انتخاب شدند. با استفاده از آزمون‌های مختلف نرم‌افزار spss داده‌های جمع‌آوری‌شده مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی با ضریب همبستگی (-۰,۱۳۱)، اعتیاد (۰,۴۲۶)، سرمایه فرهنگی (۰,۳۵۸)، اختلاف سنی (۰,۴۹۶)، فضای مجازی (۰,۱۹۷)، بیماری عصبی (۰,۵۰۵) و پنهان‌کاری (۰,۶۷۹) با شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان که مدل رگرسیونی مرکب از ۵ متغیر مستقل و شیوه ده‌گانه بروز خشونت خانگی مدل خطی مطلوبی است. مجموع متغیرهای پنهان‌کاری، فاصله سنی، اعتیاد، فضای مجازی و سرمایه اجتماعی نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات شیوه‌های بروز خشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای مستقل تحقیق توانایی تبیین شیوه‌های بروز خشونت خانگی را داشته‌اند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه فرهنگی، فضای مجازی، فرهنگ پذیری خشونت.

^۱گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

Ali.moradiiii1351@gmail.com

^۲استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد پارس‌آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس‌آباد مغان، ایران (نویسنده مسئول).

Morteza.farajian@iau.ac.ir

^۳استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

azizkhaniauukh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

بیان مسئله

بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی، «سوء رفتار یا خشونت به استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی و یا تهدید بر روی دیگران اطلاق می‌شود» (سازمان بهداشت جهانی،^۱ ۱۹۹۶: ۸). می‌توان بیان کرد که مطابق تعریف جهانی خشونت خانگی، خشونتی است که به اعضای خانواده مانند زن، مرد، کودک، سالمند و فرد معلول ساکن در خانه آسیب می‌رساند. این نوع از خشونت‌ها می‌تواند شامل خشونت جسمی، جنسی، عاطفی، اقتصادی و روانی باشد. می‌توان در خصوص رتبه‌بندی خشونت در کشور ایران چنین اظهارنظر کرد که ۶۰ درصد خشونت‌ها از نوع کلامی و روانی و ۴۰ درصد نیز اذیت و آزار جسمی و اقتصادی بوده است. (روزنامه جهان صنعت^۲، ۱۳۹۹، کد خبر: ۷۶۵۶۴). یکی از مسائل عمده جامعه، خارج شدن خانواده، از حالت ثبات در ایجاد آرامش و امنیت برای اعضای خود و تبدیل شدن به محیطی سرشار از خشونت، ناامنی و دیگر مسائل و مشکلات روح و جسم اعضای آن است. گسترش خشونت در خانواده به‌نوعی می‌تواند، باعث گسترش آن در جامعه شود. درواقع «خشونت در خانواده، نشان رشد خشونت در جامعه است» (زمانی مقدم، ۱۳۹۸: ۳). خشونت در خانواده یا خشونت خانگی، نوعی به کرسی نشانیدن حرف و نظر عامل خشونت به اعضای دیگر است. اگرچه خشونت خانگی، مسئله جدید و نوپدیدی نیست، اما هرروزه قربانیان خود را با انواع مشکلات و فشارهای روانی، جسمی و حتی مرگ، مواجه می‌نماید. صفحات حوادث روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و اخبار رادیو و تلویزیون منعکس‌کننده صور مختلف پرخاشگری و خشونت هستند که بیشترین مخاطب‌ها را نیز به خود جذب می‌کنند. در این میان ما همه‌روزه انواع خشونت و پرخاشگری از قبیل قتل‌های خانوادگی، نزاع‌های زناشویی در درون خانواده، نزاع‌های خیابانی همسران و در سال‌های اخیر قتل‌های درملاءعام که در فضای مجازی به‌صورت علنی به نمایش گذاشته شده‌اند، مواجه هستیم.

علاوه بر این خشونت و آزار جسمی و روانی، پدیده‌ای بسیار شایع در میان تمام جوامع انسانی است. طیف گسترده‌ای از آزار و زخم‌زبان کلامی تا خشونت فیزیکی رادیکال که منجر به زخم و خونریزی یا شکستگی استخوان و حتی قتل می‌شود را شامل می‌شود. پدیده خشونت خانگی، یکی از مسائل اجتماعی اساسی در جامعه ایران است. بر این اساس، باید به تبیین دقیق بروز شیوه‌های خشونت خانوادگی، علل و زمینه‌های به وجود آورنده آن دست یافت. مطابق تحقیقات انجام‌گرفته این مسئله اجتماعی رشد زیادی را در میان جوامع مختلف داشته است، به صورتی که بیش از ۳۵ درصد زنان جهان و ۶۶ درصد زنان ایران، حداقل یک‌بار، یکی از خشونت‌های خانگی را تجربه کرده‌اند (سازمان

^۱ WHO

^۲ روزنامه اقتصادی صبح ایران

بهداشت جهانی، ۲۰۱۶ به نقل از کریمی، ۱۳۹۷). تخمین زده می‌شود، ۳۰ درصد از زنان در سراسر جهان در طول زندگی خود خشونت همسر را تجربه می‌کنند (هافکورف و همکاران، ۲۰۱۹).

در این میان، در پژوهش‌هایی که امروزه درباره مسئله خشونت خانگی علیه زنان یا کودکان صورت می‌گیرد، این اعتقاد نسبتاً رایج شده که مصادیق خشونت خانگی فراتر از آزار و اذیت فیزیکی است و خشونت می‌تواند در اشکال غیر فیزیکی و پنهان‌تر هم اعمال شود. باوجوداین، پاره‌ای از پژوهشگران به‌صرف اینکه در یافته پژوهشی، شایع بودن خشونت فیزیکی زنان علیه شوهرانشان، به‌ویژه در مقایسه با خشونت فیزیکی علیه زنان، مشاهده نشده و بدون بررسی دقیق دیگر اشکال خشونت کلامی، روانی، اجتماعی، مالی، حقوقی و جنسی، مسئله خشونت علیه مردان را کم‌اهمیت شمرده و از آن غفلت کرده‌اند (دوباش، ۱۹۸۰). برخی نیز این دیدگاه را مطرح کرده‌اند که می‌توان خشونت زنان علیه مردان را صرفاً خشونت و اکشن تدافعی یا خشونت برای بقا تلقی کرد (بروان میلر، ۱۹۷۵ به نقل از صادقی، ۱۳۸۹). بااین‌همه در سال‌های اخیر توجه برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی به این شکل از خشونت خانگی، یعنی خشونت زنان علیه مردان جلب شده است (پوچرت و همکاران، ۲۰۰۴؛ جیمز و براون، ۲۰۰۲؛ گارات، ۲۰۱۲). کلی^۱ بین نظریه‌های گذشته که درباره خشونت خانگی بر پایه دیدگاه مردسالارانه است (اغلب فمینیست‌ها) و این واقعیت که «تا حدی رفتار خشن خالی از تبعیض است یا حاصل اختلال فیزیکی یا روحی است و هیچ اتهامی مبنی بر مردسالاری وجود ندارد» تفاوت قائل می‌شود. وی ادامه می‌دهد: به‌طور منطقی تصور می‌شود که خشونت ممکن است از جانب زنان به‌اندازه مردان صورت گیرد (کلی، ۲۰۰۳: ۸۵۲). از نظر آماری، بریتون (۲۰۱۲) در بررسی جرم در بریتانیا بیان می‌کند که بیش از ششصد هزار مرد قربانی نوعی خشونت خانوادگی بوده‌اند (همان: ۴۰). تحقیقات اندکی در این زمینه در ایران نیز انجام شده است (ذولفقاری، ۱۳۸۲؛ محمدخانی و دیگران، ۱۳۸۵؛ محمدی، ۱۳۸۸؛ خیرخواه زاده، ۱۳۹۰). رفتارهای خشونت‌آمیز و آزاردهنده زنان در محیط خانه از یک‌سو می‌تواند مردان را به لحاظ فردی متأثر کند و برای آنها صدمه روحی و جسمی در پی داشته باشد. بر این اساس بعد دیگر خشونت خانگی را می‌توان مطرح کرد که خشونت خانگی علیه مردان است.

بنابر آنچه گفته شد خشونت خانگی طیف وسیعی از خشونت علیه اعضای خانواده را در برمی‌گیرد؛ اما آنچه در این تحقیق بر آن تأکید می‌شود تبیین شیوه‌های بروز خشونت در بین زوج‌های ساکن در کلان‌شهر تبریز است. تجربه زیسته محقق از نزاع‌های بین همسران در خانواده‌های تبریزی، خشونت

^۱ Kelly

علیه زنان و کودکان مراجعه‌کننده به محل کار محقق و همچنین و به ارگان‌های مرتبط که در بسیاری از گزارش‌ها و مستندات ارائه شده در نشریات محلی و گزارش‌های رسمی و غیررسمی این ارگان‌ها، حاکی از وجود و بروز انواع خشونت‌های خانگی است. علاوه بر این تأثیرات روانی خشونت بر همسران، افت تحصیلی کودکان، بالا رفتن بزهکاری فرزندان که خشونت را در خانواده تجربه می‌کنند، تهدید سلامتی جسمی و روانی همسران، افت کارایی اجتماعی، عدم رسیدگی به مسئولیت‌های خانوادگی، از دست دادن اعتماد به نفس همسران، مشکلات بسیاری را به صورت فردی و اجتماعی در کلان‌شهر تبریز به وجود می‌آورد. بنا به گزارش مدیرکل بهزیستی آذربایجان شرقی، ۳۵۱ زن خشونت دیده در طول ۵ سال گذشته در «مرکز امن تبریز» به همراه ۵۰ نفر از فرزندان‌شان، پذیرش و حمایت شده‌اند (خبرگزاری جمهوری اسلامی^۱، ۱۴۰۰، کد خبر: ۸۴۵۵۶۸۹۵). همچنین بر اساس اطلاعات و داده‌های موجود و گزارش‌های معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری آذربایجان شرقی، خشونت خانگی (به‌ویژه خشونت علیه زنان) در این استان در حال افزایش بوده و نگران‌کننده گزارش شده است؛ که در این خبر گزارش می‌شود: «باوجود اقدامات انجام گرفته توسط دستگاه‌های مختلف در خصوص این موضوع، شاهد افزایش روزمره خشونت خانگی علیه زنان و کودکان هستیم. به‌رغم سند جامع پیشگیری در آذربایجان شرقی، ورودی پرونده‌های مرتبط با جرائم خشونت علیه زنان و کودکان به دادگستری و فراوانی افراد درگیر در این گونه پرونده‌ها بالا بوده و قابل توجه است» (ایسنا، ۱۳۹۹: کد خبر، ۸۴۲۵۲۱۰۳). بر این اساس تحقیق حاضر به دنبال این است که پاسخی به سؤالات زیر پیدا کند: چه شیوه‌هایی از خشونت خانگی در میان متأهلین شهر تبریز بروز می‌کند؟ مکانیسم بروز این شیوه‌ها چگونه است؟ آیا زنان بیشتر قربانی خشونت‌های خانگی در این شهر هستند یا مردان؟ کدام نوع از شیوه‌های خشونت خانگی میزان بالایی را به خود اختصاص داده‌اند؟ درنهایت سؤال اساسی تحقیق این است که: «چه عواملی بر بروز شیوه‌های خشونت خانگی در کلان‌شهر تبریز تأثیرگذار هستند؟»

مبانی نظری

تالکوت پارسونز^۲ بیان می‌کند: «در صورت وجود تعارض در خانواده، مرد به خشونت متعادل دست می‌زند و از این طریق شخصیت خود را متعادل می‌سازد و به احتمال زیاد در اثر رفتار خشونت‌آمیز او

^۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۱۳

^۲ Talcott parsons

تضاد به پایان می‌رسد؛ بنابراین خشونت متعادل که جامعه نیز آن را می‌تواند تحمل کند سبب به نمایش درآوردن احساسات فرد به صورت آزاد می‌گردد که این بهتر از آن است که فرد احساسات خود را حبس کند و ناگهان منفجر گردد» (طباخی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۳). آلبرت کوهن^۱ نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی، عامل اصلی خشونت در جوامع را معمولاً تحقیر و ناکامی می‌داند. (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۸۱). برائت وایت^۲ معتقد است که اگر افراد به واسطه ارتکاب به خشونت، احساس شرمساری و پشیمانی نکنند و خود را متعهد به خانواده تلقی نکنند، زمینه برای ارتکابشان به خشونت بیش‌تر فراهم می‌گردد. طبق نظر وایت خشونت علیه زنان در خانواده به سه عامل نسبت داده می‌شود: ۱- ویژگی‌های انفرادی زن و شوهرها ۲- هنجارها و تجویزهای فرهنگی و ارزش‌های مرتبط با خانواده و ۳- سازمان خانواده و جامعه. ضرب و شتم زنان در خانواده بازتاب خشونت‌های اجتماعی است که رسانه‌های گروهی هم به آن دامن می‌زنند، از یک‌سو خشونت در خانواده متأثر از میزان خشونت در جامعه است و از سوی دیگر میزان خشونت در جامعه نیز رابطه مستقیم با میزان خشونت در خانواده دارد (موریس^۳، ۱۹۹۶: ۴۲-۴۴). از دیدگاه نظریه تضاد، استاین متز^۴ در مورد خشونت چنین می‌گوید: «در نظریه تضاد، تعارض و تضاد اجزای همیشگی و چاره‌ناپذیر هر نوع رابطه دوفره یا گروهی‌اند که در آن، موقعیت‌های فرادستی و فرودستی و اهداف رقابت‌آمیز وجود دارد. به نظر هایز^۵ چهار عامل موجب خشونت علیه زنان در خانه می‌شود: ۱- نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان ۲- وجود الگویی برای استفاده از خشونت بدنی در حل و فصل اختلافات ۳- نظارت مردانه بر تصمیم‌گیری‌های داخل خانه ۴- تصویر مطلوبی که جامعه از سلطه‌گری و خشن بودن مردانه پذیرفته است» (همان: ۳۲۴-۳۲۳).

بر اساس تئوری جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، زنان و مردان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی متفاوتی را دریافت می‌کنند. رفتار والدین با فرزندان متأثر از قالب‌هایی است که از آن به عنوان کلیشه‌های جنسیتی تعبیر می‌شود. حتی کسب هویت در بدو امر فرآیند دوجانبه‌ای بین والدین و نوزاد است. خانواده‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه دختر و پسر را مانند یکدیگر تربیت نکرده و بر اساس جنسیت فرزندان خود نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند. این سبک رفتار والدین و اطرافیان با کودک متأثر از قالب‌هایی است که از آن به عنوان کلیشه‌های جنسیتی تعبیر می‌شود. طبق این باورهای جنسیتی، مردان ویژگی‌هایی مانند پرخاشگری، واقع‌بینی و استقلال دارند و زنان ضعیف، منفعل و وابسته به مردان هستند. از این منظر

^۱. Albert Cohen

^۲. Bright White

^۳. Morris

^۴. Stain Metz

^۵. Heise

خشونت به‌عنوان یک ویژگی در نقش مردانه تعریف گشته و اعمال آن بر زنان امری طبیعی تلقی می‌گردد (آلوس، ۲۰۱۹: ۶۲۲). سیمون دوبوار^۱ از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل تداوم سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شخصیت دختران و زنان می‌توانست بسیار متفاوت با الگوهای نابرابر کنونی شکل گیرد مشروط به اینکه دختر بچه‌ها از ابتدا با همان توقعات و پاداش‌ها و همان سختگیری‌ها و آزادی‌هایی تربیت می‌شدند که برادرانش تربیت می‌شوند. نحوه برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکای به نفس و استقلال بیشتر از پسر مورد انتظار باشد. همچنین بیشتر به آنها توصیه می‌شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در عوض از دختر انتظار می‌رود که سازش کنند، صلح‌جو باشد، اختلافات را نه با جنگ و جدال بلکه با صحبت حل و فصل کند، مهربان و مراقبت‌کننده باشد (راس، ۱۳۷۳: ۲۷۵). بنابراین می‌توان گفت جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادهای نهادینه کردن نابرابری از یک‌سو و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده از سوی دیگر می‌تواند در حکم بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته شود. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند (ابوت و واللس، ۱۳۹۱: ۲۷۲). میشل فوکو^۲ معتقد است که در جوامع غربی افراد هویت خودشان را با هویت جنسی‌شان یکی می‌دانند و خودشان را موجوداتی جنسی به شمار می‌آورند. آنها این مفهوم خود جنسی را به سراسر زندگی اخلاقی و سنتی‌شان پیوند می‌دهند. بدین معنا که هر فردی برای آنکه بدانند چگونه باید رفتار کند و جامعه از او چه انتظاری دارد، نخست الگویی را در نظر می‌آورد که موجودی از جنس او باید مطابق آن رفتار کند (نوابی نژاد، ۱۳۹۴: ۶۲).

تز اصلی نظریه‌های فمینیستی این است که فرایندهای اجتماعی و اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در جهت حمایت از یک نظم اجتماعی خاص و ساختار پدرسالار عمل می‌کند (کبیری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۹۶). دیدگاه فمینیستی معتقد است خشونت علیه زنان به‌خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می‌کند و زنان در روابط صمیمی زیر سلطه مردان قرار می‌گیرند این دیدگاه، تسلط مرد و اجتماعی‌شدن برای استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند و بیان می‌کند خشونت خانگی نتایج پدرسالاری و تسلط مرد و نابرابری جنسی است (زاوالا^۳، ۲۰۰۷: ۸). همه فمینیست‌ها ریشه‌ای‌ترین عامل سرکوب زنان را در ساختار فرهنگی اجتماعی می‌دانند که همواره زن را در جایگاه فرو دست‌تر از مرد تصور کرده است (قره‌باغی،

1. Simone de Beauvoir

2. Michel Foucault

3. Zavala

۱۳۸۰: ۲۵۰-۲۵۱). به عقیده استیون سیدمن نهضت زنان معاصر در واکنش به تناقضات آمریکایی پس از جنگ رشد کرد. جنبش زنان در اواخر قرن بیستم، با الهام از جنبش‌های آزادیخواه و حقوق مدنی سیاه‌پوستان و با تشویق فضای اجتماعی اعطای آزادی و ایدئالیسم دولت کندی و جانسون متولد شد. آنها معتقدند این تفاوت‌ها تنها به یک دلیل ایجاد می‌شوند: تداوم بخشیدن به سلطه مردان. استراتژی پنهان و احتمالاً کارآمد در فرادستی مردان عبارت است از کنترل تصور عمومی جنسیت: اگر آرای غالب فرهنگی «زن بهنجار» را بنا به سرشت همسر مادر تعریف کنند دیگر مردان برای فرمان‌بردار نگه‌داشتن زنان نیازی به اعمال زور نخواهند داشت (سیدمن، ۱۳۹۴: ۲۷۱-۲۸۳). می‌توان گفت فمینیسم بر اهمیت سلطه ایدئولوژیکی برای ساختار سلطه اجتماعی تأکید می‌ورزد. بدین ترتیب چیزی را که فمینیست‌ها «دانش عمومی واقعیت اجتماعی» می‌بینند فرهنگی فراگیر و محصول اجتماعی برآمده از اجماع نیست بلکه بازتاب علایق و تجربه سلطه‌گران جامعه و یکی از شاخص‌های اصلی قدرتشان در جامعه است. کانون توجه فمینیست به نظم اجتماعی کلان را قالب‌ریزی ساختاری کلان جنسیت به‌عنوان یک ساختار تشکیل می‌دهد. ستم بر پایه‌های ساختار بنا می‌شود. همچنین کانون توجه جامعه‌شناسی فمینیستی در سطح تعامل خرد این است که برخلاف دیدگاه رفتارگرایی اجتماعی و تعریف‌گرایی اجتماعی، کنش جنبه واکنشی دارد تا جنبه هدفمند و تفاوت مستمری در اعمال قدرت وجود دارد. در واقع اعمال قدرت است که عامل نسبتاً ثابتی در تعامل است. زنان به‌طور ساختاری تابع مردانی‌اند که در ارتباط‌های تصادفی و اظهار علاقه و زناشویی و کار مزدبگیری با آنان تعامل دارند. این فرض نابرابری در وضعیت تعامل با ورود عامل نژاد و طبقه به چارچوب تحلیل فمینیستی تشدید و پیچیده‌تر می‌شود. فمینیسم معتقد است که زنان آزاد نیستند که از چنین محیطی برخوردار باشند. قانون، سلطه و ایدئولوژی آزادی را محدود می‌کنند (فرجیان، ۱۴۰۱: ۳۴).

بلومر معتقد است که انسان مسئول است ولی چنانچه در فضا و موقعیتی نامطلوب قرار گیرد به ناگزیر مرتکب خطا و ازجمله خشونت می‌شود. (برنارد^۱، ۱۳۹۰: ۱۷۳). در نظریه احساس اجحاف، احساسی است که از برآورده نشدن توقعات و خواست‌های فرد یا افراد یک جامعه نشئت می‌گیرد آن‌طور که افراد آن‌ها را حق مسلم و مشروع خود می‌دانند و برآنند که آن حق یا حقوق به دست فرد، گروه و یا سازمانی به‌ناحق از آن‌ها سلب شده است. احساس اجحاف احساسی است که از برآورده نشدن توقعات و خواسته‌هایی که فرد آن را حق مسلم خود می‌داند و معتقد است که از او توسط گروه فرد یا سازمانی سلب شده است، ناشی می‌گردد و توأم با تنفر است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۴). هواداران

^۱.Bernard

نظریه‌های اجتماعی - روان‌شناختی بر این عقیده‌اند که یادگیری اجتماعی از طریق تجربه خشونت و در معرض خشونت بودن در خانواده علت اصلی خشونت است (کالموس و اولیری، ۱۹۸۴: ۱۱). از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده‌های یادگیری عمدتاً ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. یادگیری مشاهده‌ای تحت تأثیر چهار مؤلفه قرار دارد که عبارت‌اند از: فرایندهای توجهی، فرایندهای یادداری، فرایندهای بازتولید حرکتی و فرایندهای انگیزشی (باندورا، ۱۳۷۲: ۲۵). در نظریه یادگیری، اصل تقویت، اصلی بنیادی و اساسی است. بر طبق این نظریه، رفتاری که به دنبال خود تقویت مثبت (پاداش) داشته باشد استحکام می‌یابد و در آینده بیشتر تکرار می‌شود (علی‌وردی نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴). نظریه‌های تلفیقی، در تبیین رفتار افراد هم بر عوامل فردی و هم بر عوامل اجتماعی به‌صورت توأم تأکید دارد. کلارک (۱۹۹۱)، هوبر^۱ (۱۹۹۱)، ویلکینسن (۱۹۹۵) و گلدشتاین (۱۹۹۸) انواع خشونت ازجمله خشونت خانوادگی را ناشی از ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی آتوریته اخلاقی در تنظیم روابط بین افراد، تزلزل نهادهای جامعه در انتقال ارزش‌های اجتماعی، سلطه شرایط آنومیک بر جامعه و واکنش خصمانه و خشن برخی افراد به تحمیلات و شرایط نامطبوع، نامطلوب و غیرعادلانه بیرونی می‌دانند.

نظریه‌هایی که به تبیین همسر آزاری پرداخته‌اند، هریک جنبه‌ای از مسئله فوق را موردتوجه قرار داده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد باید عوامل بنیادین و اساسی این مسئله را در نظریه «خشونت نمادین» جست‌وجو کرد. در دیدگاه بوردیو، این مفهوم با مفهوم «سرمایه نمادین» پیوند کاملی دارد. درواقع، خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک ظرفیت و امکان اعمال قدرت یا خشونت است، اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به‌شدت رفتارهای خود را کنترل کرده و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. البته چنین خشونتی می‌تواند سطوح کارایی بسیار پایین یا بسیار بالایی داشته باشد که این امر بستگی به سرمایه کل شخص، یعنی مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی (روابط و مناسبات)، اقتصادی (ثروت)، نمادین (کاریزمایی و حیثیت اجتماعی) و فرهنگی (تحصیلات دانش و مهارت‌های فرهنگی) او دارد (ملک‌افضلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۹). بوردیو، درک و استفاده‌ی زنان از این را که زنان تحت سلطه‌ی مرد هستند، خشونت نمادین می‌خواند. به‌بیان‌دیگر، زنان برای درک و فهم سلطه‌گر، از طرح‌واره‌ای استفاده می‌کنند که خود آن طرح‌واره محصول آن سلطه‌گری است. شور و حرارت درونی شده‌ی انسان تحت سلطه (زن)، یک واکنش اجتماعی است که فقط با خواستن مبتنی بر آگاهی

^۱. Hober

از میان نمی‌رود زیرا سلطه در درون و وجود سلطه‌پذیر جافتاده است. (سیف‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶).

نظریه ویلیام. ج. گود^۱ (۱۹۸۱) به رویکردی تلفیقی روی آورده و با ترکیب عوامل خرد و کلان، سعی در تبیین مسئله خشونت دارد. وی در این میان به نقش اساسی و حیاتی خانواده در بروز یا عدم بروز این رفتار توجه کرده و هرگونه اختلال در کارکردهای خانواده را منجر به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در اعضای خانواده می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۷۰-۷۱). بر اساس این نظریه، یک رابطه آشکار بین قدرت و منابع در خانواده وجود دارد و قدرت، توانایی بالقوه یک عنصر برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌شود (روزن^۲، ۲۰۰۸: ۲۹). با توجه به نظریه‌های مختلف مطرح‌شده در رابطه با خشونت خانگی که به تبیین عوامل مختلف تأثیرگذار بر خشونت خانگی یا زمینه‌های لازم بر شکل‌گیری آن و همچنین توضیح و تبیین خشونت خانگی می‌پردازند. هرکدام از نظریات ارائه‌شده به جنبه‌ای از خشونت خانگی تأکید داشته و سعی در جهت تبیین آن با انگاره‌های خود دارند. پس از انجام بخش کیفی این تحقیق و دستیابی به مدل نظری در رابطه با جامعه آماری مدل مذکور با نظریه‌های مطرح پیوند خورده در فرایند کمی یاریگر بود.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. پیمایش مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیمایش به معنی تکنیک خاصی در گردآوری اطلاعات نیست هر چند عمدتاً از پرسشنامه استفاده می‌شود اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمانی مشاهده تحلیل محتوی جز این‌ها هم به کار می‌رود. (دواس، ۱۳۹۱: ۱۳). جامعه آماری این تحقیق تمامی متاهلین ساکن شهر تبریز هستند که سن آنها بالاتر از ۱۵ سال است. درست است که ما در جامعه آماری مورد مطالعه افرادی وجود دارند که پایین‌تر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند اما این انتخاب برای جامعه آماری به این دلیل است که افراد هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ اجتماعی قابلیت درک و تفسیر و تجربه خشونت خانگی را داشته باشند. با توجه به نتایج سالنامه آماری ۱۴۰۰ استان آذربایجان شرقی، جمعیت افراد متأهل نقاط شهری بالای ۱۵ سال ۱۴۹۲۳۴۸ است (سالنامه آماری، ۱۴۰۰: ۱۸۴-۱۸۶). البته با توجه به

^۱. William.j. Goode

^۲.Rosen

اینکه در تعیین حجم نمونه آماری از نرم‌افزار SPSS Sample Power استفاده می‌شود که در آن حجم جامعه آماری بر حجم نمونه بی‌تأثیر است.

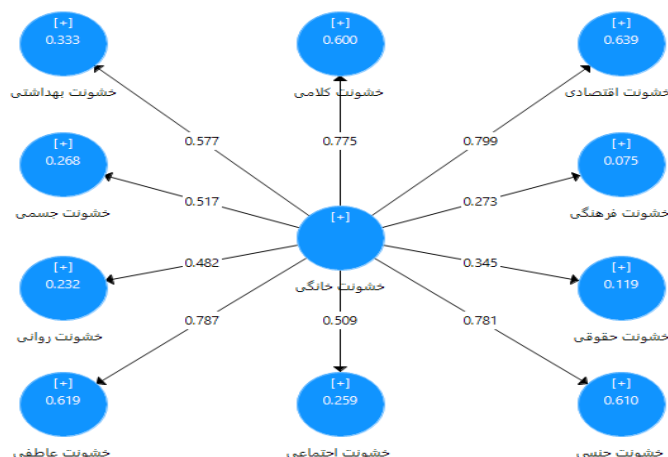
در این تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله متناسب با حجم استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از نقشه شهری تبریز، مناطق ۱۰ گانه شهرداری به‌عنوان خوشه‌ها انتخاب شد. در مرحله بعد، با توجه به شماره محله‌ها در خوشه‌ها، از هر خوشه ۳ محله انتخاب شد. از هر محله، چهار بلوک برای مصاحبه و تکمیل پرسشنامه تعیین شد. سرانجام در مرحله عملیاتی میدانی، پرسشگران با حضور در نقطه شمالی هر بلوک، سوژه مدنظر را به‌صورت تصادفی سیستماتیک از این بلوک‌ها انتخاب کردند. بدین ترتیب که فرایند نمونه‌یابی از واحد مسکونی مبدأ آغاز و به سمت راست ادامه یافت. افراد واجد شرایط جامعه آماری فهرست شدند و بر اساس جدول اعداد تصادفی (مندرج در کورتز، ۱۹۸۳: ۸۹-۳۸۶) نفر چهارم در فهرست به‌عنوان نخستین سوژه نمونه تعیین شد و انتخاب سوژه‌ها ۴ تایی تا انتخاب نفر ۲۵ در بلوک‌های منتخب ادامه یافت. جدول (۳-۳) محله‌های انتخاب‌شده را به تفکیک طبقه اجتماعی بازگو می‌کند.

جدول (۱) محله‌های انتخاب‌شده برای نمونه‌گیری به تفکیک طبقه اجتماعی

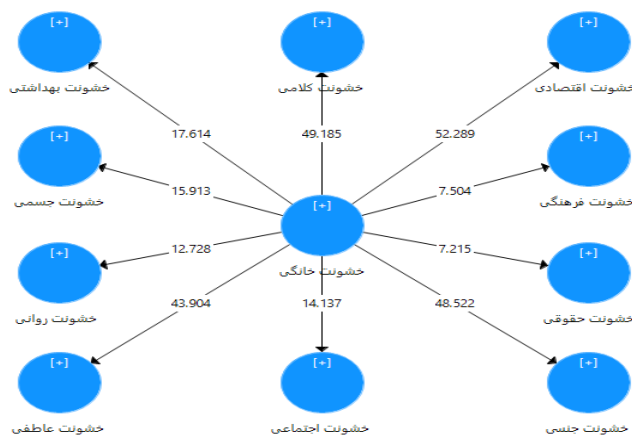
مناطق ۱۰ گانه	محلات
منطقه ۱	ملازینال
منطقه ۲	آبرسان
منطقه ۴	امیر باغی
منطقه ۷	آخماقیه یا شهرک شهید چمران
منطقه ۹	شهرک خاوران

برای تعیین حجم نمونه آماری از نرم‌افزار SPSS Sample Power استفاده شده است. در این نرم‌افزار حجم جامعه آماری در حجم نمونه آماری بی‌تأثیر است و حجم نمونه بر مبنای تحلیل توان^۱ صورت می‌گیرد. حجم نمونه ۶۵۰ نفری که توان آزمون ۸۲ درصد نیز دارد. در پژوهش حاضر از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده استفاده شد. پرسشنامه تحقیق در یک مطالعات مقدماتی و همچنین جهت سنجش پایایی پرسشنامه با مشارکت ۵۰ نفر پاسخگو اجرا شد؛ و در نهایت پرسشنامه مورد بازبینی قرار گرفت و معایب و نقص‌های آن تا حد امکان رفع شد. پرسشنامه به‌صورت حضوری توسط پرسشگران در اختیار پاسخگویان قرار گرفته و تکمیل شد.

برای تعیین اعتبار سازه^۱ با استفاده از نرم‌افزار smartPLS «تحلیل عامل تأییدی» انجام شد. در واقع در مدل «تحلیل عامل تأییدی» ارتباط گویه‌ها یا همان سؤالات پرسشنامه با سازه‌ها مورد سنجش قرار گرفت تا این امر مشخص شود که گویه‌های مشاهده شده پژوهش، چقدر سازه‌های پنهان را اندازه‌گیری می‌کنند؟



نمودار (۱) تحلیل عامل تأییدی-ضرایب



نمودار (۲) تحلیل عاملی تأییدی-آماره t

مطابق نمودار (۱) تحلیل عامل تأیید ضرایب و نمودار (۲) تحلیل عاملی تأییدی آماره t را نشان می‌دهد که بر اساس آن می‌توان بیان کرد که ضرایب تحلیل عامل تأییدی همچنین آماره t نشان‌دهنده روایی مناسب بین سازه‌ها است. مقدار آلفای گزارش شده برای متغیرهای پژوهش عبارت‌اند از:

جدول (۳) ضریب آلفای کرونباخ

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۷۹
سرمایه فرهنگی	۰/۷۷
خشونت جسمی	۰/۹۲
خشونت بهداشتی	۰/۸۶
خشونت عاطفی	۰/۷۱
خشونت کلامی	۰/۷۹
خشونت اقتصادی	۰/۶۹
خشونت جنسی	۰/۸۱
خشونت اجتماعی	۰/۷۴
خشونت فرهنگی	۰/۶۷
خشونت حقوقی	۰/۷۷

یافته‌ها

توزیع پاسخگویان بر حسب خشونت خانگی (متغیر وابسته)

جدول (۴) توزیع پاسخگویان بر حسب خشونت خانگی

ردیف	خشونت خانگی	فراوانی	درصد نسبی
۱	پایین	۳۲۴	۴۹,۸
۲	متوسط	۲۳۱	۳۵,۵
۳	بالا	۹۵	۱۴,۶
	جمع	۶۵۰	۱۰۰

توزیع درصد نسبی و فراوانی پاسخگویان طبق جدول (۴)، به نحوی است که ۴۹,۸ درصد پاسخگویان خشونت خانگی پایین، ۳۵,۵ درصد پاسخگویان خشونت خانگی متوسط و ۱۴,۶ درصد پاسخگویان خشونت خانگی بالا را تجربه کرده‌اند. بین میزان پایگاه اجتماعی-اقتصادی زوجین و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۵): آزمون همبستگی بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی

خشونت خانگی	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	
	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
خشونت خانگی	-۰/۱۳۱	۰/۰۰۱

خشونت جسمی	-۰/۱۵۴	۰/۰۰۰
خشونت بهداشتی	-۰/۳۳۱	۰/۰۰۰
خشونت عاطفی	-۰/۰۴۹	۰/۲۱۰
خشونت روانی	-۰/۲۶۱	۰/۰۰۰
خشونت کلامی	-۰/۱۵۳	۰/۰۰۰
خشونت اقتصادی	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
خشونت جنسی	-۰/۱۲۸	۰/۰۰۰
خشونت اجتماعی	۰/۰۰۶	۰/۸۷۳
خشونت فرهنگی	-۰/۱۷۵	۰/۰۰۰
خشونت حقوقی	-۰/۰۵۰	۰/۲۰۵

برای آزمون فرضیه اول، همبستگی بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی محاسبه گردید. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، متغیر مستقل پایگاه اجتماعی-اقتصادی با متغیر خشونت خانگی دارای همبستگی منفی (-۰/۱۳۱) و معنادار (۰/۰۰۱) است. بدین ترتیب فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنی که هر چه میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد بالاتر می‌رود میزان خشونت خانگی در بین زوجین کاهش پیدا می‌کند.

تحلیل فرضیه دوم پژوهش:

بین سرمایه فرهنگی زوجین در گرایش به خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۶): آزمون همبستگی بین متغیرهای سرمایه فرهنگی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی

سرمایه فرهنگی		خشونت خانگی
سطح معناداری	همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	-۰/۳۸۵	خشونت خانگی
۰/۰۰۰	-۰/۴۴۷	خشونت جسمی
۰/۰۰۰	-۰/۴۳۴	خشونت بهداشتی
۰/۰۰۰	-۰/۳۵۱	خشونت عاطفی
۰/۰۰۰	-۰/۴۱۱	خشونت روانی
۰/۰۰۰	-۰/۴۶۰	خشونت کلامی
۰/۰۰۰	-۰/۲۳۶	خشونت اقتصادی
۰/۰۰۰	-۰/۴۲۰	خشونت جنسی
۰/۰۰۰	۰/۳۵۶	خشونت اجتماعی

خشونت فرهنگی	-۰/۲۸۹	۰/۰۰۰
خشونت حقوقی	-۰/۰۷۴	۰/۰۶۰

برای آزمون فرضیه دوم، همبستگی بین سرمایه فرهنگی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی محاسبه گردید.

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، متغیر مستقل سرمایه فرهنگی با متغیر خشونت خانگی دارای همبستگی منفی (-۰/۳۵۸) و معنادار (۰/۰۰۰) است. بدین ترتیب فرضیه دوم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنی که هر چه میزان سرمایه فرهنگی افراد بالاتر می‌رود میزان خشونت خانگی در بین زوجین کاهش پیدا می‌کند.

تحلیل فرضیه سوم پژوهش:

بین اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول (۷) اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی

متغیر	اعتیاد	مشاهدات	میانگین	انحراف	مقدار t	df	سطح معناداری
خشونت خانگی	دارد	۹۸	۲,۳۶	۰,۴۸۲	۱۱,۵۸۹	۶۴۸	۰,۰۰۰
	ندارد	۵۵۲	۱,۵۲	۰,۶۸۴			

جدول شماره (۷) تفاوت میانگین نمرات خشونت خانگی را برحسب اعتیاد را بازگو می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمرات کسانی اعتیاد دارند با میانگین (۲,۳۶) بیشتر از کسانی است که اعتیاد ندارند (۱,۵۲). همچنین آزمون معناداری در سطح (۰,۰۰۰) درصد رابطه بین اعتیاد و خشونت خانگی را تأیید می‌کند. بدین ترتیب که زوجین دارای اعتیاد خشونت بیشتر و معناداری را نسبت به زوجینی که اعتیاد دارند بروز می‌دهند.

تحلیل فرضیه چهارم پژوهش:

بین میزان فاصله سنی زوجین و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۸): آزمون همبستگی بین متغیرهای فاصله سنی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی

فاصله سنی		خشونت خانگی
سطح معناداری	همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	خشونت خانگی
۰/۰۰۰	۰/۳۹۸	خشونت جسمی
۰/۰۰۱	۰/۱۲۹	خشونت بهداشتی

خشونت عاطفی	۰/۴۵۷	۰/۰۰۰
خشونت روانی	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰
خشونت کلامی	۰/۴۳۷	۰/۰۰۰
خشونت اقتصادی	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
خشونت جنسی	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰
خشونت اجتماعی	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰
خشونت فرهنگی	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰
خشونت حقوقی	۰/۴۳۳	۰/۰۶۰

برای آزمون فرضیه چهارم، همبستگی بین فاصله سنی زوجین با شیوه‌های بروز خشونت خانگی محاسبه گردید. همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، متغیر مستقل فاصله سنی زوجین با متغیر خشونت خانگی دارای همبستگی مثبت (۰/۴۹۶) و معنادار (۰/۰۰۰) است. بدین ترتیب فرضیه چهارم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنی که هر چه میزان فاصله سنی افراد زوجین بیشتر می‌شود، میزان خشونت خانگی در بین زوجین افزایش می‌یابد.

تحلیل فرضیه پنجم پژوهش:

بین میزان استفاده از فضای مجازی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد. جدول شماره (۹): آزمون همبستگی بین متغیرهای میزان استفاده از فضای مجازی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی

خشونت خانگی	میزان استفاده از فضای مجازی	
	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
خشونت خانگی	-۰/۱۹۷	۰/۰۰۰
خشونت جسمی	۰/۰۳۴	۰/۳۸۵
خشونت بهداشتی	-۰/۱۹۵	۰/۰۰۰
خشونت عاطفی	-۰/۰۲۴	۰/۵۳۳
خشونت روانی	-۰/۳۳۹	۰/۰۰۰
خشونت کلامی	-۰/۲۰۱	۰/۰۰۰
خشونت اقتصادی	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۰
خشونت جنسی	-۰/۲۲۷	۰/۰۰۰
خشونت اجتماعی	-۰/۱۳۴	۰/۰۰۱
خشونت فرهنگی	-۰/۰۷۶	۰/۰۰۰

خشونت حقوقی	-۰/۱۴۰	۰/۰۶۰
-------------	--------	-------

برای آزمون فرضیه پنجم، همبستگی بین میزان استفاده از فضای مجازی زوجین با شیوه‌های بروز خشونت خانگی محاسبه گردید. همان‌طور که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان استفاده از فضای مجازی با متغیر خشونت خانگی دارای همبستگی منفی (۰/۱۹۷-) و معنادار (۰/۰۰۰) است.

تحلیل فرضیه ششم پژوهش:

بین دچار بودن به بیماری عصبی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول (۱۰) آزمون معناداری بین متغیرهای دچار بودن به بیماری عصبی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی

متغیر	بیماری عصبی	مشاهدات	میانگین	انحراف	مقدار t	df	سطح معناداری
خشونت خانگی	دارد	۲۲۸	۲,۱۲	۰,۶۲۹	۱۳,۹۱۳	۶۴۸	۰,۰۰۹
	ندارد	۴۲۲	۱,۳۹	۰,۶۳۷			

جدول شماره (۱۰) تفاوت میانگین نمرات خشونت خانگی را برحسب بیماری عصبی را بازگو می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمرات کسانی بیماری عصبی دارند با میانگین (۲,۱۲) بیشتر از کسانی است که بیماری عصبی ندارند (۱,۳۹). همچنین آزمون معناداری در سطح (۰,۰۰۹) درصد رابطه بین بیماری عصبی زوجین و خشونت خانگی را تأیید می‌کند. بدین ترتیب که زوجین دارای بیماری عصبی خشونت بیشتر و معناداری را نسبت به زوجینی که اعتیاد دارند بروز می‌دهند.

تحلیل فرضیه هفتم پژوهش:

بین میزان پنهان‌کاری زوجین و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۱): آزمون همبستگی بین متغیرهای میزان پنهان‌کاری با شیوه‌های بروز خشونت خانگی

فاصله سنی		خشونت خانگی
همبستگی پیرسون	سطح معناداری	
۰/۶۷۶	۰/۰۰۰	خشونت خانگی
۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	خشونت جسمی
۰/۴۰۶	۰/۰۰۰	خشونت بهداشتی
۰/۷۲۱	۰/۰۰۰	خشونت عاطفی
۰/۵۴۶	۰/۰۰۰	خشونت روانی
۰/۴۵۰	۰/۰۰۰	خشونت کلامی
۰/۵۷۹	۰/۰۰۰	خشونت اقتصادی

خشونت جنسی	۰/۴۵۸	۰/۰۰۰
خشونت اجتماعی	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰
خشونت فرهنگی	۰/۶۱۰	۰/۰۰۰
خشونت حقوقی	۰/۲۲۲	۰/۰۶۰

برای آزمون فرضیه هفتم، همبستگی بین میزان پنهان‌کاری زوجین از خانواده خود با شیوه‌های بروز خشونت خانگی محاسبه گردید. همان‌طور که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود، متغیر مستقل میزان پنهان‌کاری زوجین با متغیر خشونت خانگی دارای همبستگی مثبت (۰/۶۷۶) و معنادار (۰/۰۰۰) است. بدین ترتیب فرضیه هفتم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنی که هر چه میزان پنهان‌کاری زوجین بیشتر می‌شود، میزان خشونت خانگی در بین زوجین افزایش می‌یابد.

تحلیل رگرسیونی

در این قسمت به تأثیر و نقش تمامی متغیرهای مستقل مورد بررسی بر شیوه‌های بروز خشونت خانگی پرداخته شد. بر این اساس پیش از تحلیل رگرسیونی آزمون هم خطی متغیرهای مستقل انجام گرفت. نتایج مربوط به آماره‌های تولرانس و عامل تورم واریانس در آزمون هم خطی جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد که برای تحلیل رگرسیونی مطلوب است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تولرانس و عامل تورم واریانس به جز متغیرهای فاصله سنی و بیماری عصبی در همه متغیرها به شکل مطلوبی است در مورد فاصله سنی زوجین و بیماری عصبی هم آماره نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس فاصله زیادی از عدد ۲ ندارد بنابراین موضوع قابل چشم‌پوشی است.

جدول شماره (۱۲) آزمون هم خطی: ضرایب تولرانس و VIF

آماره‌های هم خطی		متغیرها
VIF	تولرانس	
۲/۲۶۱	۰/۴۴۲	فاصله سنی
۱/۳۳۶	۰/۷۴۹	اعتیاد
۱/۲۱۱	۰/۸۲۶	فضای مجازی
۲/۲۷۱	۰/۴۴۰	بیماری عصبی
۱/۵۳۶	۰/۶۵۱	پنهان‌کاری
۱/۳۲۲	۰/۷۵۷	سرمایه فرهنگی
۱/۲۸۲	۰/۷۸۰	پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پس از تأیید عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل تحلیل رگرسیون اجرا شد. تحلیل چند متغیر و پیش‌بینی خشونت خانگی برای پیش‌بینی تغییرات متغیر «خشونت خانگی» بر اساس ۷ متغیر مستقل، از یک مدل و روش Stepwise استفاده شده است. جدول (۱۳) خلاصه مدل را نشان می‌دهد که از ۷ متغیرهای مستقل پیشگویی‌کننده ۵ متغیر در مدل وارد شده است و متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی و بیماری عصبی به دلیل عدم تأثیرگذاری پرتوان و معنی‌دار از جدول معادله حذف شده است. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرهای مستقل پیشگویی‌کننده برابر با ۰/۷۴۴ است که نشان از همبستگی بالا بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق (خشونت خانگی) دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده حاکی از آن است که ۵۵٪ درصد از کل واریانس متغیر گرایش به خشونت خانگی وابسته به ۵ متغیر مستقل باقیمانده در این معادله است. به عبارت دیگر، مجموع متغیرهای مستقل، نزدیک به ۵۵ درصد از واریانس متغیر خشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول شماره (۱۳) تحلیل رگرسیون چند متغیره: آماره مربوط به برازش مدل (خشونت خانگی)

مدل	R	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد
۱	۰/۶۷۶	۰/۴۵۷	۰/۴۵۶	۰/۵۳۲
۲	۰/۷۱۰	۰/۵۰۴	۰/۵۰۴	۰/۵۰۳
۳	۰/۷۳۱	۰/۵۳۴	۰/۵۳۲	۰/۴۹۴
۴	۰/۷۳۸	۰/۵۴۴	۰/۵۴۲	۰/۴۸۹
۵	۰/۷۴۳	۰/۵۵۲	۰/۵۴۸	۰/۴۸۵

بر اساس جدول (۱۴) می‌توان معادله رگرسیونی زیر را برای پیش‌بینی خشونت خانگی برحسب متغیرهای پنهان‌کاری، فاصله سنی، اعتیاد، فضای مجازی و سرمایه فرهنگی تنظیم کرد:

$$\text{(خشونت فرهنگی)} = ۰/۴۰۱ + (۱/۲۵۲) \times (\text{پنهان‌کاری}) + ۰/۳۳۷ + (۱/۲۵۲) \times (\text{فاصله سنی}) + ۰/۳۰۷ + (۰/۰۵۷) \times (\text{اعتیاد}) + ۱/۲۵۲ + (-۰/۱۲۴) \times (\text{سرمایه فرهنگی}) + ۱/۲۵۲ + (-۰/۰۵۷) \times (\text{فضای مجازی})$$

معادله فوق حاکی از آن است که در صورت کنترل متغیرهای پنهان‌کاری، فاصله سنی، اعتیاد، فضای مجازی و سرمایه فرهنگی نمره عشق‌ورزی سیال پاسخگویان ۱/۲۵۲ است. همچنین به ازای یک واحد افزایش در متغیرهای میزان پنهان‌کاری ۰/۴۰۱، فاصله سنی زوجین ۰/۳۳۷، اعتیاد ۰/۳۰۷، استفاده از فضای مجازی ۰/۰۵۷- و سرمایه فرهنگی ۰/۱۲۴- واحد در خشونت خانگی پاسخگویان افزایش به وجود می‌آید.

جدول شماره (۱۴) ضریب رگرسیونی متغیرهای مستقل و عشق‌ورزی سیال

مدل ۱ متغیرها	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد Beta	t	سطح معناداری
	Std.error	B			

عدد ثابت (Constant)	۱/۲۵۲	۰/۰۲۷		۶۶/۵۷۳	۰/۰۰۰
پنهان کاری	۰/۴۰۱	۰/۰۱۷	۰/۶۷۶	۲۳/۳۶۸	۰/۰۰۰
فاصله سنی	۰/۳۳۷	۰/۰۱۸	۰/۵۶۸	۲۵/۸۶۴	۰/۰۰۰
اعتیاد	۰/۳۰۷	۰/۰۰۱۸	۰/۵۱۷	۱۶/۶۸۳	۰/۰۰۰
فضای مجازی	-۰/۰۵۷	۰/۰۱۵	-۰/۱۰۴	-۳/۷۶۴	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۲۴	۰/۰۳۸	-۰/۰۹۸	-۳/۲۹۹	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی مطرح‌شده مرکب از ۷ متغیر مستقل و متغیر خوشونت خانگی مدل مطلوبی بوده و مجموع متغیرهای مستقل قادرند تغییرات خوشونت خانگی را تبیین کنند. بیشترین تأثیر را ۵ متغیر مستقل داشتند که عبارت‌اند بودند از پنهان کاری، فاصله سنی، اعتیاد، فضای مجازی و سرمایه اجتماعی. مجموعه این متغیرها نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات شیوه‌های بروز خوشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند. مابقی تغییرات بایستی به مطالعه تحقیقات دیگر سپرده شود تا بتوانند عوامل دیگر پیش‌بینی کننده را شناسایی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق کمی نشان داد که با بالا رفتن پایگاه اجتماعی اقتصادی زوجین، میزان خوشونت خانگی افراد پایین می‌آید. این نتیجه با نتایج تحقیق نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰)، مظلوم خراسانی و میرزائی مهر (۱۳۹۱)، معاشری و همکاران (۱۳۹۱)، کنعانی و همکاران (۱۳۹۲)، امیر مظاهری و قدربند فرد شیرازی (۱۳۹۳)، کیانی (۱۳۹۳)، درخشانپور و همکاران (۱۳۹۳)، فلاح و همکاران (۱۳۹۴)، فخارزاده و همکاران (۱۳۹۶)، شریعت و منشئی (۱۳۹۶)، توکاچ و همکاران (۲۰۰۹)، ویل و همکاران (۲۰۱۶)، وودلاک (۲۰۱۷)، اسلابرت (۲۰۱۷)، وکاسترو و همکاران (۲۰۱۷) همسویی دارد. بحث درباره پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تأثیر آن بر خوشونت خانگی بسیار اساسی است. بدین معنی که پایگاه اجتماعی اقتصادی ترکیبی از تحصیلات، منزلت شغلی و طبقه اجتماعی است که هر چه فرد در این زمینه جایگاه بالاتری داشته باشد، احتمال اینکه به رفتارهای خوشونت‌آمیز دست بزند کمتر خواهد بود. نظریه منابع بر محرومیت اجتماعی، اقتصادی افراد تأکید نموده، معتقد است افرادی که محرومیت اجتماعی، اقتصادی را تجربه کرده‌اند برای یادگیری رفتار خوشونت‌آمیز مستعدترند و در مورد خوشونت مردان علیه زنان در خانواده بر این باورند که شوهرانی که فاقد منابع دیگر قدرت از قبیل درآمد کافی، تحصیلات کافی بالا و شغل ارضاکننده هستند از خوشونت علیه زنان به‌عنوان ابزاری جهت کسب

قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌نمایند. بر اساس تئوری گود می‌توان گفت افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران دست به اعمال خشونت بدنی می‌زنند، زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت هستند، اما تنها منبع قدرت افرادی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایینی دارند، زور بدنی و استفاده از آن است؛ بنابراین افراد با پایگاه اجتماعی پایین تمایل دارند که از خشونت خانوادگی به‌عنوان روشی جهت کسب قدرت در خانواده استفاده کنند.

درباره فرضیه دوم تحقیق همسو با فرضیه اول می‌توان گفت که به‌نوعی نتایج نشان می‌دهد هر چه سرمایه فرهنگی زوجین بالاتر می‌رود میزان بروز خشونت‌های خانگی کاهش پیدا می‌کند. درباره متغیر سرمایه فرهنگی می‌توان گفت حتی بیشتر از متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زوجین با میزان بروز خشونت خانگی همبسته است. این نتایج همسو با نظریات مطرح‌شده در بالاست و به‌نوعی همسو با متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی همبستگی و تأثیرگذاری بالایی را از خود نشان داده و نظریات منابع و نظریه گود را تأیید می‌کند. همچنین از نظر بوردیو که معتقد است، قشرهای مختلف جامعه بر اساس عادت‌واره‌های نشئت‌گرفته از سرمایه فرهنگی، رفتارهایشان را به نمایش می‌گذارند را نیز تأیید می‌کند. در همین راستا پژوهش‌هایی با هدف تأثیر سرمایه فرهنگی بر رفتارهای خشونت‌آمیز انجام شده است که نشان می‌دهد با افزایش سرمایه فرهنگی میزان خشونت کمتر می‌شود. با مطابقت نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر معنادار سرمایه فرهنگی بر بروز خشونت خانگی با نتایج تحقیقات اسکاربرو (۲۰۱۰)، سعادت و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و باقری (۱۳۹۶)، هم سویی وجود دارد.

در بحث و نتیجه‌گیری فرضیه سوم که اعلام می‌دارد، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی با شیوه‌های بروز انواع خشونت خانگی رابطه دارد. با توجه به نتایج تحقیق، رابطه معنادار بوده و نشان می‌دهد که کسانی که دچار اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی هستند خشونت خانگی بالاتری را از خود بروز می‌دهند. این نتیجه با نتایج تحقیق نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰)، مظلوم خراسانی و میرزائی مهر (۱۳۹۱)، معاشری و همکاران (۱۳۹۱)، کنعانی و همکاران (۱۳۹۲)، امیر مظاهری و قدربند فرد شیرازی (۱۳۹۳)، کیانی (۱۳۹۳)، درخشانپور و همکاران (۱۳۹۳)، فلاح و همکاران (۱۳۹۴)، فخارزاده و همکاران (۱۳۹۶)، شریعت و منشئی (۱۳۹۶)، توکاچ و همکاران (۲۰۰۹)، ویل و همکاران (۲۰۱۶)، وودلاک (۲۰۱۷)، اسلابرت (۲۰۱۷)، وکاسترو و همکاران (۲۰۱۷) همسویی دارد. علاوه بر این مطابق نظریه ورث، بوردیو، مک کی و شاو، شکاف اقتصادی یکی از عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی از جمله خشونت است. همچنین بر اساس تئوری بی‌سازمانی مرتن، عدم دستیابی فرد به ارزش‌ها و هنجارهای تعریف شده جامعه سبب می‌شود فرد به دنبال اعمال ابزارهایی باشد که مورد تأیید جامعه نیست؛ بنابراین در صورتی که فرد بیکار، معتاد، سرپرست خانواده باشد و نتواند انتظارات

خود و خانواده‌اش را فراهم نماید لاجرم دست به اقدام به کارهای خلاف هنجارها از جمله سرقت، توهین، ضرب و شتم و ... خواهد زد. این یافته با یافته‌های لورنز و یکفیلد و شان تیت (۲۰۱۵)، گزارش بانک جهانی (۲۰۱۱)، محمدی و باقری (۱۳۹)، همسو بوده است. فرضیه چهارم تحقیق اشاره دارد که فاصله سنی زوجین با شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه دارد. با توجه به نتایج می‌توان گفت که اختلاف سنی زیاد همسران احتمالاً باعث عدم درک متقابل از همدیگر شده و همین مسئله باعث بروز رفتارهایی خشونت‌آمیز نسبت به یکدیگر می‌کند. در این همبستگی فاصله سنی با خشونت فرهنگی در بالاترین سطح خود قرار دارد. احتمالاً با فاصله گرفتن سن زوجین، آنها در طیف نسلی متفاوت قرار می‌گیرند که رفتارها، منش‌ها، دیدگاه و الگوهای نسلی آنها بسیار متفاوت از همدیگر بوده و این به لحاظ فرهنگی اختلاف‌های شدیدتری را می‌تواند ایجاد کند.

فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند که بین میزان استفاده از فضای مجازی با شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه معکوس و منفی (۰،۱۹۷-) بین میزان استفاده از فضای مجازی و شیوه بروز خشونت خانگی وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های بسیار از تحقیقات قبلی ناهمسو است. فرضیه ششم این پژوهش بیان می‌کند که بین دچار بودن به بیماری عصبی و شیوه‌های بروز خشونت خانگی رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دچار بودن به بیماری عصبی جز خشونت اجتماعی، همه انواع خشونت خانگی را تحت تأثیر معنادار قرار می‌دهد. طبیعتاً داشتن بیماری‌های عصبی به‌نوعی مکانیسم سیستم عصبی را به هم زده و باعث می‌شود که فرد در درون خانواده تعادل رفتاری نداشته و از خود خشونت نشان دهد. این متغیر یکی از متغیرهایی است که در این پژوهش به‌عنوان یک متغیر نو مطرح شده و نتایج قابل ملاحظه‌ای را به دست داد. فرضیه هفتم تحقیق به میزان پنهان‌کاری زوجین و رابطه آن با شیوه‌های بروز خشونت خانگی اشاره دارد. پنهان کردن خشونت همسران از خانواده پدری می‌تواند بر افزایش خشونت خانگی کمک‌کننده باشد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که همبستگی قوی و مستقیم (۰،۶۷۹) و مثبت بین میزان پنهان‌کاری همسران با میزان خشونت اعمال شده به آنان دارد. این نتیجه با نتایج تحقیق نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰)، مظلوم خراسانی و میرزائی مهر (۱۳۹۱)، معاشری و همکاران (۱۳۹۱)، کنعانی و همکاران (۱۳۹۲)، امیر مظاهری و قدربند فرد شیرازی (۱۳۹۳)، کیانی (۱۳۹۳)، درخشانپور و همکاران (۱۳۹۳)، فلاح و همکاران (۱۳۹۴)، فخارزاده و همکاران (۱۳۹۶)، شریعت و منشئی (۱۳۹۶)، توکاچ و همکاران (۲۰۰۹)، ویل و همکاران (۲۰۱۶)، وودلاک (۲۰۱۷)، اسلابرت (۲۰۱۷)، وکاسترو و همکاران (۲۰۱۷) همسویی دارد.

در نهایت نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل توانایی پیش‌بینی میزان بالایی از متغیر خشونت خانگی دارد. بیشترین تأثیر را ۵ متغیر مستقل داشتند که عبارت‌اند بودند از پنهان‌کاری، فاصله سنی، اعتیاد، فضای مجازی و سرمایه اجتماعی. مجموعه این متغیرها نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات شیوه‌های بروز خشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند. می‌توان گفت که عوامل متعدد و متفاوتی می‌تواند بر بروز شیوه‌های خشونت خانگی اثرگذار باشد که این پژوهش سعی کرد تبیینی جامعه‌شناختی بر آنها داشته باشد. تحقیق حاضر با تکیه بر روشی کیفی اکتشافی درصدد برآمد تا تیپ‌های خشونت را در خانواده‌های ساکن در شهر تبریز ارائه دهد و در این بین به تبیین کمی عوامل مؤثر بر آن پردازد گرچه این را باید در نظر داشت که بررسی جامع یک پدیده اجتماعی تنها با یک پژوهش علمی کار ساده‌ای نبوده و می‌تواند صرفاً بازگشای دریچه‌ای برای تبیین جامعه‌شناختی مسئله مورد مطالعه باشد که این تحقیق به دنبال آن بود.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- برنامه‌ریزی جدی در رسانه‌های جمعی و مدارس از سنین پایین برای تمامی سنین و قشرهای جامعه، برای آموزش افراد نسبت تساوی زن و مرد نسبت توزیع قدرت در خانواده و همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر به همسران در برخورد با یکدیگر ضرورت دارد.
- ۲- طراحی یا اجرای طرح کمک به زنان آسیب‌دیده یا قربانی خشونت خانگی در سطح جامعه به‌عنوان مثال اعطای شماره اختصاصی سراسری به این موضوع می‌تواند، کمک شایانی در این مورد باشد.
- ۳- دولت و مسئولان مرتبط معضل بیکاری سرپرستان خانواده را با برنامه متعدد اما مشخص و هدفمند تعدیل کنند.
- ۴- آموزش‌های لازم جهت پیشگیر از مصرف مواد مخدر در خانواده‌ها و محلات به اعضای خانواده‌ها مخصوصاً به بانوان متأهل جهت پیشگیری از گرایش شوهرانشان به اعتیاد صورت گیرد.
- ۵- تعیین مجازات قابل اعمال و صریح و همچنین اجرای جدی آن علیه توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان الکل و مواد مخدر بسیار اضطراری است.
- ۶- رفع فیلترینگ و اتفاقاً مدیریت مناسب فضای مجازی و نگاهی فرصت‌طلبانه به آن جهت کاهش میزان خشونت خانگی نتایج مناسبی به دنبال خواهد داشت.

منابع

- استراوس، ا و کربین، ج. (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار (۱۳۹۰). تهران: نشر نی.

امیرمظاهری، ا و قدریند فرد شیرازی، ز. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان و علت تحمل خشونت توسط آنان (مطالعه موردی: شهر نورآباد ممسنی). **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران**، دوره ۴، شماره پانزدهم، ۲۷-۴۶.

آبوت، پ. کلر، والاس. (۱۳۹۱). **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
برنارد، ج. (۱۳۹۰). **بنیادهای نظری کجروی**، ترجمه محمد داوری، اصفهان: نشر هومن.
حضور، ک. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت زنان خشونت دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلانتری، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، سال سوم، دوره جدید، شماره هشتم و نهم، صص ۸۹-۷۰.
درخشانپور، ف؛ محبوبی، ح و کشاورزی، س. (۱۳۹۳). شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس. **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان**. دوره ۱۶، شماره ۱، ۱۲۶-۱۳۱.
دواس، د. (۱۳۹۱). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
ذوالفقاری، ر. (۱۳۸۲). بررسی و شناخت خشونت‌های زنان علیه مردان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

راس، آ. (۱۳۷۳). **روانشناسی شخصیت**، ترجمه سیاوش جمال فر، تهران: نشر مرکز.
زمانی مقدم، م. حسونندی، ص. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم‌آباد. **فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه**، سال دهم، شماره ۳، ۱۴۵-۱۷۰.
شاکرین، ح. (۱۳۸۸). **خشونت**، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.

شریعت، س و منشی، غ. (۱۳۹۶). الگوی پیش‌بینی خشونت‌های خانگی علیه زنان بر اساس رگه‌های شخصیتی و سابقه کودک آزاری همسران در شهر اصفهان. **سلامت اجتماعی**. دوره ۴، شماره ۲، ۹۰-۹۸.
شهبازی، ه؛ صادقی، م و بناغی، لیلی. (۱۳۹۶). نقش انسانیت زدایی در بروز همسرآزاری از دیدگاه زنان قربانی خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی. **سلامت اجتماعی**. دوره ۴، شماره ۳، ۱۷۹-۱۸۹.
طباخی، ا. (۱۳۸۵). بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
علیوردی نیا، ا. ریاحی، م. فرهادی، م. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدل نظری و آزمون تجربی، **مجله مسائل اجتماعی ایران**، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۲۷-۹۵.

فخارزاده، ل؛ طاهری، ن؛ حیدری، م؛ هاتفی مؤدب، ن؛ زاهدی، ع و الهامی، سعیده. (۱۳۹۶). عوامل مرتبط با شیوع خشونت‌های خانگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان آبادان. **مجله اپیدمیولوژی ایران**. دوره ۱۳، شماره ۴، ۳۲۸-۳۳۶.

فراست‌خواه، م. (۱۳۹۵). **روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه گراندد تئوری (GMT)**، تهران: ناشر آگاه، صص ۸۸-۹۳.

- فرجیان، م. (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناختی نظریه‌های فمینیستی معاصر با رویکردهای انتقادی، تغییرات اجتماعی-فرهنگی، سال ۱۴۰۱، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۷-۳۸.
- فلاح خاریکی، س. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان متأهل، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۹۷-۹۱.
- فلاح، س؛ رستم زاده، س و قلیچی قوجق، موسی. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان متأهل، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۹۱-۹۷.
- فلیک، ا. (۲۰۰۶). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی (۱۳۷۸). تهران: نشر نی.
- قره‌باغی، ر. (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان، مجله درد، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۸۸-۶۹.
- کرسول، ج. (۱۹۴۵). پوشش‌های کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی...). ترجمه: حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی (۱۳۹۱). تهران، صفار: اشراقی.
- کیانی، م. (۱۳۹۲). تجربه زنان از خشونت خانگی: مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت. دوره ۳، شماره ۱، ۱۳-۲۶.
- کاپلان، س. (۱۳۸۹). خلاصه روان‌پزشکی، ترجمه نصرت‌اله پورافکاری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهرآب.
- گرت، ا. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳، وندالیسم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژ رفتاری اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- محمدپور، ا. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و یکم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۷-۱۰۰.
- محمدخانی، پ. (۱۳۸۵). شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان، رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰۵: ۲۱-۲۲۳.
- محمدی، ب. (۱۳۸۸) زن ذلیل: زنان سلطه‌جو، مردان سلطه‌پذیر، تهران: واژه آرا.
- محمدی، ف. (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان: مطالعه شهرستان روانسر، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۰۱.
- معاشری، ن؛ میری، م؛ هدایتی، ه و زنگویی، محبوبه. (۱۳۹۱). شیوع و ابعاد جمعیت شناختی خشونت‌های خانگی علیه زنان در شهر بیرجند. مراقبت‌های نوین. شماره، دوره ۹، شماره ۱، ۳۲-۳۹.

ملک افضلی، ح؛ مهدی‌زاده، م؛ زمانی، ا و فرج‌زادگان، زیبا، ۱۳۹۳، بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۴، شماره ۲، ص ۵۴-۳۶.

نوابی نژاد، ش (۱۳۹۴). روانشناسی زن، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ دوم.
نوجاه، ص؛ لطیفی، س؛ حقیقی، م؛ اعتصام، ح؛ فتح‌الهی، فر؛ ا؛ زمان، ن و فرخ‌نیا، ف. (۱۳۹۰). شیوع خشونت خانگی علیه زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در استان خوزستان. شماره ۴، ۲۷۸-۲۸۹.

Alves & et al. (2011). Evolution and Analysis of Cultural and Cognitive Factors Related With Domestic Violence Against Women. *Journal of Interpersonal Violence*. 22 (2): 231-221.

Bourdieu, Pierre. 1977. "Cultural Reproduction and Social Reproduction." Pp. 487-511 in *Power and Ideology in Education*, edited by J. Karabel and A. H. Halsey. New York: Oxford University Press.

Brownmiller, S. (1975) *Against Our Will: Men, Women and Rape*, London: Somon and Schuster Press.

Carlson. C, 2009, *Psychological health in women*, MG.HILL.

Christopher G. Ellison; Jenny A. Trinitapoli; Kristin L. Anderson; Byron R. Johnson. (2007). Race/Ethnicity, Religious Involvement, and Domestic Violence. *Violence Against Women*. 13(11): 1094-1112.

Dobash, P. R, Dobash. R. E. (1980) *Violence against Wives: A Case against the Patriarchy*, Shepton Mallet, Open Books.

Ebenezer, S., Agbemaflle, I. (2012). Determinants of domestic violence against women in Ghana. *BMC Public Health*. 12: 222: 1-1.

Ellsberg, M. et al. (2002). Intimate partner violence and women's physical and mental health in the WHO multi-country study on women's health and domestic violence: an observational study. *Lancet*. 22111122-23.

Filleule, R, 2001, *Sociologie de la delinquence*, Paris: P.U.F

Hawcroft, Claire et al.(2019), Prevalence and health outcomes of domestic violence amongst clinical populations in Arab countries: a systematic review and meta-analysis, *BMC Public Health*: 1-12.

Kabiri, A, Saadati, M, & Noruzi, V, 2018 (1397), Sociological analysis of factors affecting domestic violence case study: Married women in Urmia. *Quarterly Journal of Women and Society*, 934, 295-320, [Text in English].

Kelly, L. (2003) "Disabusing the Definition of domestic Abuse: How Women Batter Men and the Role of the Feminist State", *Florida State University Law Reviw*, 30: 791-855 [available at: <http://abusedmen.wordpress.com/2011/06/08/disabusing-the-definition-of-domestic-abuse-how-women-batter-men-and-the-role-of-the-feminist-state-kelly-l-2003>] [downloaded on 6/10/2011].

Morris, M, (1996) *Deviance and Control*, London: Hatchinson.

Pearlman, DN., et al. (2002). Neighborhood Environment, Racial Position, and Risk of Police-Reported Domestic Violence: A Contextual Analysis. *Public Health Reports*. 112 (1): 22-22.

- Plano-Clark, V. Huddleston-Csas, C. Churchill, s. Green, D. O. and Garrett A. (2008): "Mixed Methods Approaches in Family Sceince Research". Journal of Family Issues. 29:11(November 2008), pp. 1543-1566.
- Puchert, R, Jungnitz. L, Lenz, H. J, Puhe, H. (2004) "Violence against Men: MensExperieces of Interpersonal Violence in Germany, Results of the Pilot Study, Derlin: Ederal Ministry, Results Of the Pilot Study", Derlin: Ederal Ministry, Results of the Pilot Study", Derlin: Ederal Ministry for Family Affairs, Senior Citizens, Women and Youth.20-58.
- Tashakkori, A., and C. Teddlie (2003). Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research, First Edition, Sage Publication Inc. Teddlie, C. and F. Yu (2007). "Mixed Methods Sampling: A Typology With Examples", Journal of Mixed Methods Research, 1; 77.
- World Health Organization (1996) Violence: a public health priority, Geneva, World Health Organization Global Consultation on Violence and Health, document WHO.
- www.iran.ir/news/84252103**
- Zavala, E, 2007, Non physical intimate partner violence emotional abuse and controlling behavior against women [Thesis]. El Paso, TX: The University of Texas at EI Paso.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

